

آیت ابن حاتری  
مؤسس  
کتابخانه مدرسه فیضیه قم

## بسم الله الرحمن الرحيم

### محرم درس حیات میدهد

- ✽ زندگی جز عهده و مبارزه در راه آن نیست.
- ✽ مردم زنده را نمیشود از پای در آورد.
- ✽ مسئولیت جنایات این وحشی ها بعهده کیست؟
- ✽ ملت امامی و اختلاف پیاسی؟!
- ✽ ایکاش از بر نامه محرم خوب استفاده میشد.

باز هم ایام عزافرا میرسد ، در دیوار بوی خون و مصیبت میدهد، میگرید ، میخروشد ، شور و فغان ازهر کوی و برزن بلند میشود، دسته ها راه می افتد ، خیمه ها بالا میرود، مجالس تشکیل میشود . .

این صحنه صدها سال است که تکرار میشود ، سال بسال هم بر وسعت و شور خود می افزاید ، همیشه تازه است ، زنده است ، سوز دارد روح دارد، تأثیر و تأثر و حساسیت دارد . . گویا مردم بی اراده بر نامه خود را عوض میکنند ، همچون کشتی ناتوانی که در امواج خروشان بیفتد دست بسته تسلیم امواج است، بالا و پائینش میبرد ، به جنب و جوشش می آورد ، حرکتش میدهد ، او هم میرود .

این امواج يك چشمه جوشان دارد ، در این سرچشمه روحی نهفته است  
این روح فروزندی و التهابی دارد ، برقی اورا سوخته ، و همچون نور  
بآسمانش فرستاده است ، این برق عشقی بود که بسرش افتاده و اذسر ،  
بیخبرش کرده است ، جان داده و جانان گرفته و زنده شده است .

این جان حیات داشت ، رمز حیات ادرك کرده بود ، برای حیات بشر  
و برای زندگی جان سپرد !! . .

زندگی در منطق او عقیده و مبارزه در راه عقیده است . .

آنکه عقیده ندارد ، هدف ندارد ، شور و نشاط ندارد ، زنده نیست  
آنکس هم که هدف دارد ولی در راه هدف و عقیده خود نمیکوشد ؛ نمیخروشد  
او هم مرده است . .

روح اسلامی منبع الهام بخش فکر و عقیده است . . مسلمان واقعی  
فکر میکند و خوب هم فکر میکند و بدنبال فکر صحیح و هدف حیات بخش  
خود راه می افتد ، حرارت بخارج میدهد ، اراده از خود بروز میدهد ،  
مبارزه میکند .

از آن روز که فکر نکردیم و عقیده و هدف خود را فراموش کردیم و  
بدنبال آن مردانه بر نخواستیم ، سقوط کردیم . سقوط کردیم و پراکنده شدیم  
و در اثر پراکندگی تو سری خوار و استعمار زده . .

استعمار پلید ، پنجه ، بخون ما آغشته کرد ، همه چیز مان را برد ، از هستی  
و حیثیت ساقطمان کرد . . خوابی بود و خواب سنگینی هم بود ، از این  
خواب سنگین و شب دراز دشمن دغل باز استفاده کرد ، هر چه بیشر خاک  
مرده ، بر سر خواب زدگان افشاند و بقارتگری پرداخت . .

خانه ولانهائی را تصرف کرد ، منابع زر خیزی را بیغما برد ، مردان  
ارزنده ای را کشت . .

پس از يك زمستان طولانی ، جسته و گریخته ، شور بهار ، جنب و  
جوش حیات ، در مردمی بچشم خورد ، چشمهائی از خواب گران بیدار شد .

چشمی باز کردند و دیدند ، ای بیچاره مردم مسلمان که چها کشیده اند در این خواب و خستگی رفته شده ، جانشان بلب آمده ، بهر زحمتی بود برخاستند ، باز سرشان کوفتند ولی ایستادند . .  
 جوانان و مردان شان را کشتند ، ایستادند ، دست بکشتن زنان و فرزندان شان زدند ، بازم ایستادند . .

علیرغم این مقاومت ، دشمن کشت و بست ، خون خورد و جنایت کرد ، آبروی بشریت را برد ، کوس ننگ و رسوائی اروپای متهدن را بزوایای قاره رساند . . ولی اینملت ایستاد ! مقاومت کرد . .

تا دنیا دانست که راستی اینملت هدف دارد ، و براستی در راه هدف خود مبارزه میکند . . دنیا دانست که اینمردم زنده اند ، و اینزندگی را نمیشود از دستشان گرفت ، هرچه بیشتر کشته شوند ، باقیمانده بیشتر زنده میشوند ، و بیشتر شور و اراده پیدامی کنند . .

زندگی حقیقی خاصیتش این است که گرفتنی نیست ، مردم زنده را نمیشود کشت ، مردم زنده را نمیتوان از پای در آورد ، زنده واقعی اگر هم بمیرد ، خاکش درس حیات میدهد ، و قبرش فرمان نهضت . ذرات بدنش فریاد استقلال و آزادگی . .

دشمن دانست ، اگر نصف مردم رشید الجزایر کشته شوند ، نصف دیگر دست از هدف خود نمیکشد ، اگر ۹۰ درصد آنها کشته شوند ؛ باز هم بقیه استقلال میخواهند ، حتی اگر چند نفر آنها فقط بمانند ؛ آنها نیز دست بردار نیستند . . مگر همه را بکشند ، آنگاه با شعله سوزانیکه از خاکشان در دنیا افروخته میشود ، چه میتوان کرد . .

چون این چنین احساس کردند ، دنیا هم در مقابل این احساس زانو زد تعظیم کرد ؛ دوست و دشمن حقد اند و خواستند ، دشمن هم خواه و ناخواه شمشیر خون آلود خود را در نیام کشید ، استقلال داد و تسلیم شد . .

ولی آیا خون بهای یکمیلیون نفر کشته مسلمان را که باید بدهد . .

مگر این جنایات فراموش میشود؟!

آدم کشانی از همین قاره‌ها، وحشیانی از تربیت شدگان همان محیط یا بستی و شرارت هرچه بیشتر، هنوز میکشند، قطعه قطعه میکنند، میسوزانند، زن و بچه و بزرگ و کوچک را بخاک میغلطانند. آیا مسئولیت جنایات این وحشی‌ها برعهده کیست؟ و آیا میتواند فرانسه بعد از اینکه این ارتش باغی است؛ خود را از این رسوائی معاف بداند، و آیا دنیا می‌تواند به بهانه این که مسئله داخلی است خود را از این ورطه کنار بکشد.؟ و آیا برای کشورهای اسلامی، خاصه کشور ما همین کافی است که باتیتر بزرگ هر روز خبر مرگ صدها مرد و زن مسلمان را منتشر کند و عکس العمل واقعی بروز ندهد



راستی رسوائی است که برادران مسلمان، در بک گوشه، زیر بمباران - های سهمگین - جان دهند. در گوشه ای دیگر کسانی پس از پاره کردن زنجیرهای استعمار، برای سر و سامان دادن بوضع داخلی و ایجاد حیثیت و قدرت عمومی اسلامی فعالیت کنند، در نقاطی دیگر جنب و جوشهای دیگر بچشم بخورد. ولی مردمی هم از همین ملت اسلامی چشم براه آن باشند، که مشی سیاسی موجود چه ایجاب می‌کند، و نقشه استعمار چه فرمان میدهد...!!



محرم ماه شور و نوا است، قهرمان اینماه حسین بن علی (ع) قهرمان تاریخ مبارزات حق پرستانه جهان است ..  
تمام حق و عدالت، باجر تومۀ ظلم و جنایت پنجه در افکند، و علیرغم شکست ظاهری، غالب شد، آنچنان پیروز شد که ریشه حریف را پس از چند صباحی کند، آنچنان پیروز شد که پس از هزار و سیصد سال برنامه اش، هدفش، مبارزاتش در هزارها مجلس ذکر میشود و چشمهائی

بیاد فداکارهای او، بخاطر جانبازیهایش اشک میریزد .

محرم فرصت خوبی برای مطرح کردن برنامه های حیات و زندگی است ، خیلی خوب میشود استفاده کرد ، ایکاش در همه محافل و مناظر روح قیام حسین بن علی (ع) را تشریح میکردند .. تا مگر شراره ای از این قلب فروزان ، بسینه ها افتد ، و آتش غیرت مسلمین را شعله ور کند ، علیرغم همه آلودگیهای اخلاقی و مفاسد ، هرزگیها و شهوات ، علیرغم همه خواب و خیالها ، همه تباہیات تعدیر کننده و سرگرمیها ، همه دسیسه ها و گول زدنها ، همه بازیچه ها و دستاویزها ، فکر کنند و خوب هم فکر کنند .

چشم را باز کند ، نگاهی بگذشته ، و نظری بوضع موجود ، مطالعه ای در دنیای دگران و فکری در وضع خود کند ، در آن چه دارد ، و در آنچه ندارد ، در آنچه از او گرفته اند و در آنچه با او داده اند در آن چیزها که میبایستی داشته باشد و ندارد ، آنطور که میبایستی باشد و نیست ، در همه اینها سیری کند ، بعد که خوب فهمید ، بدنبال فکر روشن و درک صحیح برخیزد .

برای زنده شدن و زندگی را از سر گرفتن هیچ وقت دیر نیست ، راستی که برنامه حیات همان است که حسین بن علی (ع) فرمود : باید عقیده داشت و سپس برای این عقیده مبارزه کرد . ملت کم رشد و بی فکر و بی هدف مبارزاتش هم ثمربخش نمیشود ، چه زود که درهم کوفته میشود ، و چه زود که آنشعله موقت خاموش شده و بصورت خاکستر سردی درمیآید ، ولی این مردم عقیده مند و رشیدند که روز بروز شعله و تر ، روشنتر و سوزنده تر شده . و در نتیجه پیروز و موفق هم میشوند ، حیات یعنی این . . ملت زنده یعنی این .

آری زندگی عقیده لازم دارد و جهاد ، و این هر دو درس وحدت اعلا و اوج بی انتهایش ، در تاریخ درخشان حسین بن علی (ع) وجود دارد .

ایکاش این محرم و محرم های بعد ، الهام بخش این هر دو برای این ملت میشود ، ایکاش از بزنامه عزاداری بنحو صحیح استفاده می شد کی باشد که در این برنامه نظمی بوجود آید و این مقام حساس تحت کنترل صحیح روحانیت قرار گیرد . منبر جای مهمی است ، این محافل موقعیت بسی نظیری دارد ، حسین بن علی (ع) وفدا کاربهایش سرمایه بزرگی در اختیار این ملت است ، اگر تبلیغات محرم بکنواخت ، باهدف ، باروشن بینی بدست اشخاص اهل ، اجرا شود ، باید دلها روشن شود ، افکار رشد پیدا کند ، مردم خیر و شر خودشان را بفهمند ، دوست و دشمن را بشناسند ، برای يك زندگی صحیح و ارزنده تلاش کنند ؛ از این خمودی ، پراکندگی و دلسردی بدر آیند .



حالا دیگر موقع آن نیست که درد نیائیکه آناری از رشد و حیات بچشم میخورد ، ملت اسلامی با هم ستیزه کنند ، اختلاف شی داشته باشند ، بتحریر دشمن هر يك راهی در پیش گیرند ، و احياناً جلوی یکدیگر صف آرائی کنند ، از مبارزات هم کارشکنی کنند .

اسلام مرز ندارد ، در بین مسلمین بیگانگی معنی ندارد ، مسلمانان برادرند ، تمام معنی برادر ؛ در حقوق و حدود مشترك ، در منافع مشترك ، دوست و دشمنشان یکی ، مشی و هدفشان یکی .

بیشبه باید هر گونه جدائی و اختلافی را از سر چشمه تلقینات سوء دشمن دانست ، و بی درنگ باید اختلافات سیاسی را شبح شوم استعمار تفسیر کرد .



محرم باید درس حیات بیاموزد ، درس اتحاد بیاموزد ، درس رشد و شهادت بیاموزد ، بیدار کند ؛ نوید دهد ، نیرومند کند ، قفسها را بشکند ، زنجیرها را پاره کند و راه سعادت را فرا راه ملت اسلامی باز کند .  
این مبلغین مذهبی هستند که باید با خلوص و روشن بینی از این موقعیت استفاده کنند .

و این مردمنده که باید از این حادثه درس بیاموزند و سپس درس خود را تمرین کرده و بکار بندند .